



(۱) ماهنامه پرتوی تربیت

(سال اول، شماره اول، بهار ۱۴۰۳)



انجمن علوم تربیتی و روانشناسی
واحد خواران



شناسنامه

نام: نشریه **پرتوی تربیت** - سال اول | شماره ۱ | بهار ۱۴۰۳
صاحب امتیاز: انجمن علمی علوم تربیتی واحد خواهران

استاد مشاور: دکتر سوسن بهرامی

دبیر انجمن، مدیر مسئول: سمانه نریمان پور

سر دبیر: فاطمه محمدخانی

مدیر اجرایی: نرگس جان نثاری

ویراستار: فاطمه محمدخانی

هیات تحریریه: الهام ابویی - زینب علیزاده - ریحانه غفاری - فاطمه قره‌قانی - ریحانه محقق - فاطمه

محمدخانی - فاطمه مهدی آرانی - فائزه ابراهیمی‌زاده

طراح جلد و صفحه آرایی: محسن زارعی

شناسه کانال ایتای انجمن: <https://eitaa.com/Educationaluniquom>

فهرست مطالب





روح خدا، بت شکن زمان

زینب علیزاده

بسم الله، خير الاسماء

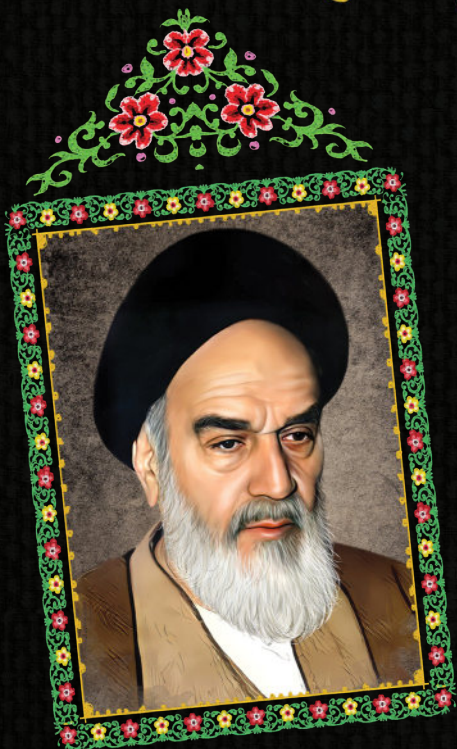
صدها سال بود، پابرهنگان، ستم‌دیدگان و فوج فوج محرومان عالم پیش‌روی خود هیچ دریچه‌ی نور و خلاصی از دست قابیلیان زمان نمی‌دیدند.

شیادان و طراران با سخنان پوچ و امیدهای واهی، در باغ سبز نشان می‌دادند، گندم می‌نمودند و جو می‌فروختند. سالیان درازی بود که ادعای دروغین حمایت از آزادی، عدالت و کرامت انسان از سوی بوق‌های تبلیغاتی اردوگاه غرب سرمایه‌داری و امپریالیستی و اردوگاه شرق ملحد مارکسیستی گوش جهانیان را کر کرده بود

مستضعفان و پابرهنگان سرخورده و درمانده از این دورویی‌ها، نیرنگ‌ها، خسته از همه‌ی نامردمی‌ها و بدعهدی‌ها، در کنج کاشانه‌های فقیرانه خود عزلت گزیده و به جورکشی خو گرفته بودند

اما ناگاه دست اراده حق از آستین غیب برون آمد و ابرمردی آسمانی از قبیله هابیلیان، چنان موهبت الهی در میان این طوفان تطاول که خانه‌ای را سالم باقی نگذاشته بود چهره نمود همان که به‌سان مردمان بود اما جانش از جنس نورالانوار بود. همان که روح الله نام داشت

آن عطیه ناب، برخلاف سایر رهبران جهان هرگز نه خود را دید و نه به خود دعوت کرد، او



از خود عبور کرده و در وجود لایتناهی یگانه دادگر حقیقی فانی شد. پیامش دعوت به نور اسلام بود، منبع عظیمی که می‌توانست سپیده‌دمی باشد بر انتهای شب ظلمانی جامعه انسانی

این پدر امت، یکسره دل در گرو محرومان و تهی‌دستان داشت و یک تار موی کوخ‌نشینان را به زرق و برق کاخ‌نشینان نمی‌داد

او که معلم ملت بود؛ چنان شاگردانی در مکتب انسان‌ساز دفاع مقدس پرورش داد، که همانند پروانه به دور خود و نهال نوشکفته انقلاب می‌چرخیدند و خالصانه و آزادانه با لبخندی بر لب، به پاکی هرچه تمام‌تر در راه این عشق جان می‌باختند

او که با انگشت اشارت خود تشت رسوایی طاغوت را از بام ایران واژگون کرد، چنان مقتدرانه و مدیرانه در بالیدن درخت انقلاب همت گماشت که امروز تمامی بینوایان و ستم‌دیدگان سراسر جهان، این انقلاب را مامن گاهی برای پناه بردن می‌بینند..

و اما حالا، ما فرزندان امام در سی و سومین سالگرد آسمانی شدن او بار دیگر این‌گونه پیمان می‌بندیم که: اماما؛ ما فرزندان بیرق حق‌طلبی و عدالت‌خواهی را بر دوش کشیده و رسالت خود را رساندن این علم به دست دوازدهمین اختر تابناک آسمان ولایت می‌دانیم

ای پیر فرزانه‌ی ما؛ فرزندان بیش از هر زمانی هوشیار و بیدارند.



صف اولی‌ها

میلاد عرفان‌پور

سبکبال بر موجی از مه، به قاف تماشا رسیدند
به صبح تشرف به خورشید، به دیدار فردا رسیدند
از این حسرت روزمره، کشیدندشان ذره ذره
که بی‌حاشیه، بی‌تکلف، به متن و به معنا رسیدند
مِن المومنین رجال که دنیا شب قدرشان بود
شنیدند مَن یتنظر را، به قرآن، به احیا رسیدند
به تاریک شب هدیه دادند درخشیدن اشکشان را
از آن تیرگی‌ها گذشتند، به این روشنی‌ها رسیدند
به دل، زخم و بر لب، تبسم، همه دردشان، درد مردم
به آغوش گرم شهادت برای مداوا رسیدند
پس از سال‌ها رنج دنیا، نیفتاده بودند از پا
مقام رضا رزقشان شد، به لبخند زهرا رسیدند
دریغا و دردا که ماندیم، عجب سهمگین است ماندن
چه جانانه از جان گذشتند، شگفتا چه زیبا رسیدند
نه از مدعی‌ها نبودند، گرفتار دنیا نبودند
ببین این صف اولی‌ها، به آغوش مولا رسیدند

اَنَا لِلَّهِ وَ اَنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ

با اندوه و تاسف فراوان، شهادت خادم الرضا، سید شهیدان اهل خدمت، آیت الله دکتر ابراهیم رئیسی، حجت الاسلام آل‌هاشم، جناب آقای امیر عبداللهیان، جناب آقای مالک رحمتی و دیگر همراهان گرامی را به محضر حضرت بقیت الله الاعظم (عج)، رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی)، ملت شریف ایران و جامعه دانشگاهی تسلیت عرض می‌نماییم و صبر و تسلای بازماندگان و رحمت الهی برای درگذشتگان را از خداوند متعال مسالت می‌کنیم.



انتخاب، آری یا نه

فاطمه محمدخانی

منبع کنترل یک ویژگی شخصیتی است که نخستین بار توسط راتر (۱۹۶۶) در راستای نظریه یادگیری اجتماعی مطرح شد. راتر منبع کنترل را انتظار کلی فرد از نتایج یک رویداد تعریف می‌کند که در درون یا در بیرون کنترل شخصی وی وجود دارد (شیبانی، ۱۳۸۹)

براساس این تئوری افراد به دو دسته تقسیم می‌شوند: اول، افراد دارای منبع کنترل درونی که به توانمندی‌های خود متکی بوده و خود را بر احساسات، رفتار و شرایط زندگی مسلط می‌دانند. این افراد موفقیت‌ها و شکست‌های خود را به عوامل درونی خود نسبت می‌دهند

دوم، افراد دارای منبع کنترل بیرونی که خود را مسلط بر شرایط و رویدادهای زندگی ندانسته و حوادث زندگی خود را به عوامل بیرونی از قبیل شانس، سرنوشت و قدرت دیگران نسبت می‌دهند (راتر، ۱۹۶۶)

نظریه انتخاب در سال ۱۹۸۸ توسط ویلیام گلاسر پایه‌ریزی شد و در آن بر پنج نیاز اساسی انسان (بقا، عشق و تعلق، قدرت، آزادی و تفریح) تاکید شد که انگیزش رفتار تمام انسان‌ها از آن نشات



می‌گیرد. افراد با توجه به دنیای مطلوب خود و مقایسه آن با واقعیتی که از دنیا درک کرده‌اند، به صورت کاملاً هوشمندانه رفتارهایی را برای رسیدن به نیازهایشان انتخاب می‌کنند (گلاسِر، ۲۰۰۶). آموزش مفاهیم تئوری انتخاب موجب درونی شدن منبع کنترل در افراد می‌شود. گلاسِر (۱۳۸۱) عقیده دارد مشکلات روانی وقتی پدید می‌آیند که فرد فکر کند توسط نیروهای بیرونی کنترل می‌شود؛ برای مثال یک فرد افسرده، حالت ناشاد خود را به گردن دیگران، جامعه یا گذشته اسفبار می‌اندازد؛ بنابراین مسئولیت آن را نمی‌پذیرد ولی اگر چنین فردی درمی‌یافت که این حالت، انتخاب خود اوست به طور یقین برمی‌خاست و خود را از این وضعیت نجات می‌داد

حال کمی بیندیشیم! منبع کنترل ما کدام است؟

آیا شما هم اعتقاد دارید انتخاب‌هایتان ثمربخش نیست و همه حوادث تحت کنترل دیگران می‌باشد؟ اگر پاسختان منفی است، تا حدودی و یا شاید کاملاً بر مفاهیم تئوری انتخاب مسلط هستید اما اگر پاسختان مثبت است..

پاسخ مثبت به سوال بالا به این معناست که شما دائماً دیگران را مقصر مسائل و مشکلات زندگی و جامعه‌تان می‌دانید و برای خود سهمی قائل نیستید کمی فکر کنیم...

مگر می‌شود عضوی از خانواده، دانشگاه، جامعه و ... باشیم اما سهمی در اوضاع کنونی آن‌ها نداشته باشیم؟

بیا بیا با مثال انتخابات، این مسئله را به صورت عینی‌تر بررسی کنیم. می‌توان ادعا کرد شرکت در انتخابات، نمونه‌ای از داشتن منبع کنترل درونی در افراد است. زمانی که اعتقاد دارید زندگی شخصی و اجتماعی‌تان وابسته به انتخاب‌ها و تصمیم‌های شما است؛ آنگاه دغدغه‌مند شده و خود را برای بهترین انتخاب آماده می‌کنید. اما اگر هم‌چنان بر این عقیده باشید که نقشی در زندگی و جامعه‌تان ندارید و همه شرایط را، دیگری رقم می‌زند و شما فقط موجودی مجبور و منفعل هستید؛ آن وقت است که انگیزه‌ای برای انتخاب نخواهید داشت

به راستی کدام رویکرد درست است؟

انتخاب کردن یا تسلیم انتخاب‌های دیگران شدن؟



منبع:

امانلو، مریم، حاتمی، ابوالفضل، حجازی، مسعود، ۱۳۹۶، تاثیر آموزش مفاهیم تئوری انتخاب بر منبع کنترل دانشجویان، مجموعه مقالات ششمین کنگره انجمن روانشناسی ایران



تربیت معنوی

الهام ابویی و فاطمه قره‌قانی

مقدمه

ما در قرنی به سر می‌بریم که علی‌رغم پیشرفت‌های سریع علوم، موضوع انحطاط اخلاقی از ویژگی‌های آن است. حجم بالای اخبار مربوط به استفاده از مواد مخدر، جرم و جنایت‌هایی که در اشکال مختلف صورت می‌گیرد، خودکشی و ... جلوه‌هایی از این حقیقت است که بشریت در پرتگاه اخلاقی قرار گرفته است. بنابراین ما به اخلاق واقعی و معنویت حقیقی نیازمندیم (محمدی، ۱۳۸۰)

نهضت معنویت‌گرایی به‌عنوان یک جریان فکری جدید هم‌چنان رو به گسترش است و عرصه‌های مختلف زندگی را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. عرصه آموزش و پرورش نیز از این جریان بی‌تاثیر نبوده است؛ به‌گونه‌ای که برنامه‌ریزان آموزشی در سطوح مختلف درصدد برآمده‌اند تا رویکردهایی را برای تدوین برنامه‌های آموزشی معنویت‌گرا ارائه دهند (صفایی‌مقدم، ۱۳۹۰)

اساساً تربیت روحی و معنوی، عمیق‌ترین نوع تربیت در میان سایر تربیت‌ها است و از همین رو مشکل‌ترین نوع تربیت است. اگر سایر تربیت‌ها به جوانب و حواشی سطوح شخصیت آدمی می‌پردازند، در تربیت روحی و معنوی اصل جوهره انسان که همان عقل و قلب و روان و سرهستی اوست، محور و موضوع تربیت است. از این رو دامنه‌ی این تربیت همه‌ی کرانه‌های شخصیت و ابعاد روح انسان را نیز در برمی‌گیرد و چون دخل و تصرف، تعالی و تکامل در ذات و اصل حقیقت آدمی است به عمیق‌ترین نوع تاثیر و تحول در انسان منتهی می‌شود که آثار آن دائمی و ماندگار خواهد بود (جوار شکیان، ۱۳۸۹)

ضرورت و اهمیت تربیت معنوی در عصر ما

تبلیغ و زمینه‌سازی برای تربیت معنوی، تثبیت و تقویت آن در درون نسل‌ها، همه، گام‌های مهم و ضروری بوده و در عصر ما و برای نسل حاضر ضروری‌تر و از اهمیتی بیشتر برخوردار است و این امر به دلایل زیر می‌باشد:

۱. توسعه خطر اعتیاد
 ۲. توسعه و گسترش جرائم در جهان
 ۳. توسعه تبلیغات دشمن در عرصه جهانی برای فاسد کردن نسل جوان و تلاش برای بی‌ریشه کردن افراد از طریق سرکوبی اسلام و به‌ویژه تشیع
 ۴. نیاز افراد به پناهگاهی امن و مطمئن که در تنگناها و تصادفات روانی و عاطفی و حتی اجتماعی بدان تمسک جویند
 ۵. نیاز و ضرورت تعدیل برخی خودپرستی‌ها، خودمداری‌ها و خودمحوری‌ها و ایجاد قید و بند کنترل برای اعمال هوای نفس (یارعلی، ۱۳۹۳)
- در شرایط کنونی جوامع، لزوم تحقق تربیت معنوی مستلزم اعتقاد جدی به رابطه‌ی معنویت با نظام تعلیم و تربیت است. بنابراین مربیان باید از طراحی برنامه‌هایی که بعد مادی‌چیرگی در شناخت بیرونی، آمادگی برای آینده‌ای نامطمئن و تحمل جهان بی‌دینی را تقویت می‌کنند، بپرهیزند. در معنویت باید برنامه‌درسی به هم پیوسته و آزادی‌بخش خلق کنیم که از هیجان، پرسش، کوشش و مشارکت سرشار باشد و هدف در آن به‌جای محصول نهایی بیشتر فرایندی کل‌نگرانه باشد. برنامه‌درسی معنوی شامل عناصر اهداف، محتوا، اجرا و ارزشیابی است که بتواند حالات و نگرش‌ها و یا به تعبیری نشانگرهای معنویت را مورد توجه قرار دهد (اسلاتری، ۱۹۹۲)

اهمیت معنویت و تربیت معنوی، هم در جوامع مذهبی و هم در جوامع سکولار توجهات زیادی در حوزه نظریه‌پردازی و تحقیقات پژوهشی به خود

جلب کرده است. محققان بر این باورند معنویت باید همانند سایر جنبه‌های سلامت انسانی هم‌چون رشد جسمی، عقلی، اجتماعی و عاطفی مورد توجه قرار گیرد (کرومپتن، ۱۹۹۸).

معنویت

تعریف واژه‌ی معنویت دشوار است. شاید دلیلش این باشد که هسته و مرکز معنویت حالت منحصر به فرد و رمزگونه دارد. معنویت از ریشه‌ی یونانی و عبری واژه‌ی spirit به معنای تصور حرکت نامحسوس هوا گرفته شده است و یا به قول جان گوسپل چیزی شبیه به باد که وزیدنش خوشایند است و صدایش را می‌شنوید ولی نمی‌توانید بگویید که از کجا می‌آید و به کجا می‌رود (تیزی، ۲۰۰۴)

واژه‌ی spirit از ریشه‌ی یونانی spiritus به معنی نفس گرفته شده است و در فرهنگ آکسفورد به معنای حیات‌بخشی است و می‌توان گفت که با این باور که خداوند روح خودش را در بشر دمیده سازگار است. بنابراین روح یک نیروی اتحادبخش انسان است که در تمام انسان‌ها مشترک است و حالت‌هایی مانند درک ابدیت، احساس آرامش، سرور، شادی، رشد، معرفت، آگاهی، رهایی از ترس از مرگ، احساس یقین، اشراق، احساس دگرگونی و یکی شدن با دیگران و شاید هزاران نوع احساس دیگر را بتوان بخشی از ثار بعد معنوی در انسان فرض

رد؛ اما با این که معنویت مبهم و



بین ذهن و بدن خود و جهان دانست. معنویت بیشتر بر خردمندی تاکید می‌کند تا بر معرفت و دانش. معنویت به دوره‌ی بزرگسالی محدود نمی‌شود بلکه از زمان تولد و در درون یک محتوای تربیتی و در ارتباط با تقدس فردی شروع به شکل‌گیری می‌کند

سقراط

اساس تربیت معنوی مراقبت از خود است. ایده‌ی مراقبت از خود اگر چه کاملاً به حوزه‌ی معنویت مربوط می‌شود اما بخش مهمی از آنچه که بیشتر افراد در این زمینه درک می‌کنند، از حوزه‌ی دین سرچشمه می‌گیرد و تحقق واقعی آن در گرو دین است. دانشمندان مدرن اغلب به سقراط و نظریه‌اش درباره‌ی زندگی آزمون‌شده تمایلی نشان نمی‌دهند، زیرا سقراط در کتاب آپولون به سرزنش مردم آتن که در پی کسب ثروت و شهرت و ستایش افرادی که در پی تحقق پیام معبد دلفی، یعنی خودت را بشناس بودند، می‌پردازد و منظور خودت را بشناس همان تحقق خودآگاهی است که فرد مراقب و مواظب خودش باشد و به خود توجه کند. بیشتر اندیشمندان دوره‌ی مدرن ترجیح می‌دهند که سقراط را یک فیلسوف و شخصیت خردگرا معرفی کنند و نظریه‌ی او را درباره‌ی زندگی آزمون‌شده یک کاوش تحلیلی - منطقی بدانند. در واقع بسیار دشوار است که بتوانیم نظریه‌ی سقراط را درباره‌ی ندای درونی و اصالت خودآگاهی، صداقت، شرافت و ... بدون بررسی و پژوهش درباره‌ی آنچه که او در حقیقت درباره‌ی بعد معنوی انجام داده دریابیم و همین نظریه‌ی سقراط درباره‌ی کنترل نفس و توجه به

اسرارآمیز است با آنچه که پویا و حیات‌بخش است در ارتباط است. بنابراین مرکز و قلب معنویت یک حالت اسرارآمیز و پویایی دارد که می‌توان گفت دارای یک بعد غیر مادی و ماورایی است و در پی یک معنا و وجودی مافوق تجربه است (رایت، ۲۰۰۰)

معنویت صرفاً دانشی از حقایق و یا تسلط بر موضوعی ویژه یا مهارت یافتن در برخی از روش‌های درون‌فردی مانند آنچه که مثلاً دکارت مطرح کرده نیست، بلکه معنویت شامل یک سفر است؛ اما در این سفر همانند یک راهنمای کوهنوردی که نیاز به یک سری داده‌های نظری دارد، راهنمای سفر معنوی نیز نیاز دارد که دست‌کم در برخی از امور تا حدی مسیر معنوی را پیموده باشد (سینتار، ۲۰۰۰)

ابعاد معنویت

وبستر (۲۰۰۴) بر این باور است که میتوان ابعاد زیر را برای معنویت قائل شد:

۱. درون‌نگری: حالتی از آگاهی که فرد را به تفکر در درون خودش وا می‌دارد. به این معنا که هدف اصلی معنویت بررسی و واکاوی درون هستی خودش و باورهایش نیست بلکه به این بر می‌گردد که چگونه فرد با دیگران ارتباط برقرار می‌کند.
۲. تعادل بین آزادی و فرهنگ: به این معنا که فرد قادر است انتخاب کند و پاسخ‌های خودش را به پرسش‌های اساسی درباره‌ی معنای وجود و هستی پیدا کند
۳. دید کل‌نگر و جامع: یعنی معنویت شامل یک تعهد با تمام وجود در تمام ابعاد ذهنی و عاطفی می‌باشد

هولی (۱۹۷۸) بر این باور است که معنویت، رشد آزادی و رهایی از چیزهای مادی است و این حالت بیشتر تفکر آزادی و خلاقیت است که از راه تعهد ارزش‌ها و اهداف توضیح داده می‌شود. این حالت‌ها شکلی از گشودگی را بین فرد و خود تعالی فراهم می‌کنند. بنابراین می‌توان معنویت را ظرفیت و موقعیتی برای فراتر رفتن از خود و ایجاد حس فراتر رفتن از تعالی رازگونه و هماهنگی



خود، بعدها در افکار هلنی‌ها و اپیکوریان و فلسفه‌ی رواقیون درخصوص توجه به روح گسترش یافت و پایه و اساس ریاضت در مسیحیت شد (کار هالدن، ۲۰۰۳)

بررسی و مدل مهم سقراط، خود واریسی روح یا پرسش معنوی است. پس می‌توان گفت که یک بعد اساسی معنویت، خود است. خود به‌قدری مشکل بود که برخی از رویکردهای فلسفی درصدد منسوخ کردن و براندازی آن بودند. برای مثال در دیدگاه پساساختارگرایی به‌نظر می‌رسد که خود از بین رفته است و یا نادیده گرفته می‌شود تا این‌که راه برای دیگری باز شود. درحالی‌که خود و دیگری مکمل یک‌دیگرند و تنها خود می‌تواند دیگری را بازشناسی کند. شاید بتوان گفت که تنها از راه خود است که می‌توان با دیگری ارتباط برقرار کرد. پس تربیت معنوی و فلسفی برای بررسی خود، واکاوی مفیدی می‌باشد (مک اینتایر، ۱۹۹۹)

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از پژوهش‌ها نشانگر آن است که معنویت و تربیت معنوی دارای ابعاد متفاوتی است. در یک نگاه کلی می‌توان از دو گونه معنویت یاد کرد که با شناسایی این ابعاد، تربیت معنوی در بین دانش‌آموزان تسهیل خواهد شد:

۱. معنویت انسانی: جنبه‌هایی که به نیازهای انسانی مربوط می‌شوند؛ همانند عشق، امنیت، تحسین و مسئولیت‌پذیری
۲. معنویت عبادی: تمایل ذاتی انسان به فعالیت‌های دینی (بختیاری، ۱۳۹۶)

ابعاد اساسی معنویت انسانی که مبتنی بر نیازهای اساسی کودکان است عبارت‌اند از:

۱. نیاز به تجربه عمیق از عشق
 ۲. نیاز به احساس از سوی دیگران
 ۳. نیاز به تشویق به مشارکت امنیت
 ۴. نیاز به بازی، شادی و امید
 ۵. نیاز به تایید در خانواده، دوستان و اجتماع
- در صورت ارضاء این نیازها و تربیت معنوی صحیح، تربیت دینی از پایه‌های مستحکم‌تری برخوردار خواهد شد (بختیاری، ۱۳۹۶)

بنابراین پیشنهاد می‌گردد که با تعیین گروه‌های متخصص و کارشناس در مدارس ابتدایی و راهنمایی و متوسطه، شاخص‌ها و ملاک‌های رفتاری اصیل کودکان را که با معیارهای اصیل اسلامی در تناسب و همکاری هستند شناسایی و به مسئولان معرفی نمایند. با استفاده از کلاس‌های مختلف، سطح اعتقادی دبیران و آموزگاران را درحد عالی مثل فلسفه و حکمت و عرفان بالا ببرند. رفتارهای ریز و حساب شده و متناسب با ارزش‌های اسلامی را در ساعات ورزشی، تفریحات و ... تمرین کنند تا در بزرگسالی دچار مشکل نشوند و به‌شدت از دانش‌آموزان راعی و رعایت‌کننده‌ی ارزش‌ها و رفتارهای اصیل دینی حمایت کنند و آن‌ها را مورد تشویق قرار دهند (سیفی، ۲۰۰۴)

بنابراین خانواده باید تلاش کند که آموخته‌های مذهبی کودکان با تجارب و احساسات خوشایندی شکل بگیرد. سعه‌صدر، ابراز احساس خرسندی و روحیه رضایت‌مندی گرایش به این احساسات مذهبی را برای کودکان گوارا می‌سازد. مشاهده‌ی رفتار اطرافیان به‌خصوص والدین، انگیزه‌ای قوی و غنی برای یادگیری و آموزش دانش‌آموزان است. وقتی که کودک نسبت به رفتار و نحوه حرکات و حرف زدن والدین و اطرافیان کنجکاو می‌شود، باید توجه داشت که کنجکاوی بی‌هدف و بی‌نتیجه نیست بلکه متضمن الگوگیری و مشارکت فعالانه او به صورت تجربه‌ای جدید در فرازهای حساس زندگی است. مهیا کردن چنین فضایی به‌خصوص اگر همراه با مشارکت



فعال کودکان و نوجوانان و همسالان آنان باشد، برایشان بسیار دلنشین و دلپذیر است و همین امر به تدریج گرایش به امور مذهبی و روحیه اجتماعی را در آنان تقویت می‌کند. پدر و مادر و اعضای خانواده اگر توجه داشته باشند که در خانه، سفر، میهمانی و یا در حین انجام کار و به طور کلی در هر موقعیتی به اصول و احکام دینی پایبند باشند و به آن اهمیت دهند، در تلقی و نگرش دانش آموزان نسبت به فرایض دینی تأثیر مضاعف خواهد داشت. آداب و عبادات مذهبی چون پاسخی به عالی‌ترین نیازهای معنوی است که اگر به طور طبیعی و با جلب رضایت قلبی ارائه شود، احساس خوشایند را در آنان برمی‌انگیزد و متربی آن را به راحتی جذب می‌کند؛ چرا که عواطف و احساسات مهم‌ترین نقش را در تکوین رشد و پرورش شخصیت جوان و نوجوان دارند. بدیهی است زمانی که کودکان و نوجوانان در معرض یادگیری و آموزش احکام و عبادات قرار دارند، لازم است برای این موضوع زمینه‌سازی شود تا همراه با آموزش، احساس خوشایند در آن‌ها ایجاد گردد و به این ترتیب نتیجه‌ای مطلوب به بار آورد. در این صورت تقویت این گرایش فطری نیز بسیار آسان و طبیعی خواهد بود. کسب عادات و رفتارهای مذهبی بیش از آنکه متأثر از اندرزها و سخنان والدین باشد، معلول پذیرش رفتار، عواطف و احساسات مرتبط و همراه با مهر و محبت آنان است (سیفی، ۲۰۰۴)

منابع

۱. پاپی، سمیه، دریکوند، زهرا، هاشمی، سید جلال، ۱۳۹۳، تربیت معنوی، چیستی و چرایی، همایش ملی فلسفه تربیت دینی و تربیت اخلاقی
۲. یاری‌قلی، بهبود، ۱۳۹۳، تبیین نقش مدارس در تربیت معنوی دانش‌آموزان، همایش ملی فلسفه تربیت دینی و تربیت اخلاقی
۳. حافظی، اکرم، ۱۴۰۰، باورهای معنوی در تربیت کودکان و نوجوانان، کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و علوم اسلامی
۴. سلحشوری، احمد، ۱۳۹۰، حدود و ثغور تربیت اخلاقی، تربیت معنوی و تربیت دینی، فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی





تربیت از منظر ملاصـدرا

ریحانه محقق

هرساله در ایران، روز اول خرداد، تحت عنوان سالروز بزرگداشت ملاصدرا شناخته می‌شود. از این فیلسوف و حکیم فرزانه که پایه‌گذار حکمت متعالیه می‌باشد، آراء و نظریات ارزشمندی درباره تعلیم و تربیت برجای مانده است

صدرالدین شیرازی، یکی از سرآمدان معرفت دینی از منظر اخلاقی-تربیتی است. در آثار وی به دلیل سلوک عرفانی و دینی، آرای تربیتی ارزشمندی وجود دارد که در ادامه به بخشی از آنها می‌پردازیم

تربیت در حکمت متعالیه

در خصوص مفهوم تربیت در حکمت متعالیه، تعاریف گوناگونی ارائه شده است. به‌طور مثال، تربیت را پرکردن فاصله وجود و به عبارت دیگر، دخالت نفس (عمل آگاهانه نفس رشد یافته‌ی انسان) در فرایند خلق مدام دانسته‌اند که لازمه‌ی آن تکامل نفس کنشگر است (شمشیری، ۱۳۹۵)

ملاصدرا بین ساحت جسمانی و روحانی انسان، پیوند وثیقی را برقرار کرده و با طرح نظریه «جسمانیه الحدوث» و «روحانیه البقا» بودن نفس (مصباح یزدی، ۱۳۸۰)، یک رابطه اتحادی بین این دو برقرار نموده و هرگونه انفکاک و ثنویت را نفی می‌کند (نوروزی و بابازاده، ۱۳۸۹)

تصور او از انسان، نفسی است که در حرکت جوهری از مرحله نفس نباتی شروع شده و پس از گذر از نفس حیوانی قابلیت نیل به مجرد عقلانی را دارد و همه این مراحل در جوهر ابتدایی به نحو قوه تحقق دارد. (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱) از این رو، تربیت از نظر ملاصدرا تحول ذاتی و جوهری انسان است نه تحول ظاهری وی و انسان در عمق و باطن خود، رو به جهتی سیر می‌کند و این سیر، عین وجود یافتن انسان است (اکبریان، ۱۳۸۶)

انسان از دیدگاه ملاصدرا، حقیقتی است که از همه‌ی مراتب هستی برخوردار است و تنها موجودی است که از جهات مختلفی، بعضاً شبیه حیوان، بعضاً شبیه جن، گاهی شبیه فرشته و گاهی هم شبیه خداوند است. به همین دلیل، انسان در مسیر استكمال خود می‌تواند از مرتبه‌ی مادی تا مقام فنا فی‌الله سیر کند (شربانی و همکاران، ۱۳۹۲)

مفهوم تربیت عقلانی از منظر ملاصدرا

قوه عقلانی انسان که به عنوان یک ظرفیت و موهبت گرانمایه در وجود انسان نهاده شده است، به‌خودی‌خود شکوفا نمی‌شود (ملکی، ۱۳۷۹)، بلکه باید زمینه و شرایط مناسب (مجموعه تدابیر و اعمالی) را برای رشد و شکوفایی عقل در دو حیطه شناختی و عملی فراهم کرد تا به استكمال نهایی خود برسد و انسان را به سمت هدف غایی تربیت عقلانی که اتحاد با عقل فعال است، سوق دهد (بهشتی، ۱۳۷۹)

صدرا برای انسان سه قوه شهویه، غضبیه و علمیه برمی‌شمارد. او معتقد است که هریک از این قوا نقطه اعتدال و افراط و تفریطی دارند. نقطه اعتدال در قوه شهویه، عفت و در غضبیه، شجاعت و در علمیه، حکمت است. از نظر صدرا، حسن خلق برآیندی از حد اعتدال قوای یادشده است. در این میان، عدالت که متشکل از سه قوه دیگر است، جایگاه والاتری داشته و نمایانگر صورت خلقی فرد است. باوجود این، اخلاق نیکو در نگاه صدرالمآلهین، غایت امر و مقصود نهایی نیست؛ بلکه وسیله‌ای است که از طریق آن غایت حقیقی که همان اتصاف به معبود و حق تعالی است، حاصل می‌شود (شیرازی، ۱۳۶۶)

از دیدگاه ملاصدرا، کمال متربی در گرو کمال قوای علمی و عملی نفس اوست (شمشیری، ۱۳۹۵). به عقیده‌ی وی همه افکار و اعمال آدمی عین وجود او می‌شود و در این سیر و سلوک به همراه اوست تا سرانجام روزی به وصال برسد و به اصل خود بازگردد (پورحسن و هاشمی، ۱۳۹۰)



مجسمه ملاصدرا || خانه زینت‌الملوک شیراز

اصول تعلیم و تربیت از منظر ملاصدرا

۱. پرورش قوای حسی
۲. استمرار تعلیم و تربیت
۳. تغییر و اصلاح و بازآفرینی
۴. تدریجی بودن تربیت
۵. پرورش توأمان جسم و نفس
۶. جامعیت
۷. تناسب
۸. تعقل (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۲، شمشیری، ۱۳۹۵)
۹. اصالت بخشیدن به بعد روحانی (خسرونژاد و همکاران، ۱۳۸۷)

بنابر آنچه گفته شد، می‌توان گفت تربیت از دیدگاه ملاصدرا این است که تربیت، تحول بنیادین انسان در دو ساحت جسمانی و روحانی وی است که به منظور سیر مراتب هستی و با اخذ کمالات علمی و عملی در وی صورت می‌پذیرد. ملاصدرا هرگونه انفکاک را نفی می‌کند و تربیت را تحول ذاتی و جوهری انسان می‌داند نه تحول ظاهری وی. صدرا برای انسان سه قوه شهویه، غضبیه و علمیه برمی‌شمارد. او معتقد است که هریک از این قوا نقطه اعتدال و افراط و تفریطی دارند

منابع

۱. براتی، مریم، نوروزی، رضاعلی، ۱۳۹۹، تبیین مراحل تربیت عقلانی مبتنی بر مراتب نفس از منظر ملاصدرا، نشریه علمی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی
۲. طوسی‌ان خلیل آباد، سارا، بهشتی، سعید، شریعتی، سید صدرالدین، غفاری، ابوالفضل، ۱۴۰۲، تبیین چگونگی تربیت اخلاقی متعالیه براساس تفاسیر ملاصدرا، فصلنامه علمی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام
۳. رحمانی گورجی، محمد، شیخ شعاعی، عباس، ۱۳۹۸، نقش مربی در تربیت براساس مبانی ملاصدرا، نشریه علمی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی



معرفی کتاب

گفت‌وگوی معلم و فیلسوف

ریحانه غفاری

در حال حاضر یکی از مصائبی که تعلیم و تربیت ایران از آن رنج می‌برد، شکاف میان نظر و عمل است؛ زیرا از یک سو فیلسوفان و نظریه‌پردازان تعلیم و تربیت بدون توجه به عرصه‌ی عمل نظریه‌پردازی می‌کنند و از دیگر سو؛ معلمان نیز که درگیر عرصه‌ی عمل هستند، خود را بی‌نیاز از نظر و نظریه‌پردازی می‌بینند. این کتاب که به قلم دکتر خسرو باقری، دکترای فلسفه تعلیم و تربیت و مدرس دانشگاه تهران نوشته شده، اگرچه درواقع گفت‌وگوی میان معلم و فیلسوف نام گرفته؛ اما خواندن آن برای چند دسته از افراد مفید بوده و خالی از لطف نخواهد بود.

اولین دسته، معلمان (شامل مدیر و کارکنان و تمامی دست‌اندرکاران عرصه‌ی تربیت) هستند. دسته‌ی دوم، دانشجویان فلسفه‌ی تعلیم و تربیت و دانشجویان رشته‌ی علوم تربیتی، و دسته‌ی دیگر والدین می‌باشند. کتاب گفت‌وگوی معلم و فیلسوف، در شش فصل (۶ گفت و گو) تنظیم شده است. در هر بخش معلم آغازگر سوال است و سؤالاتی را مطرح می‌کند که فیلسوف با زبانی ساده ولی پر از نکته‌های گران‌قیمت و مهم در عالم تعلیم و تربیت، به آنها پاسخ می‌دهد و نکته جالب این است که، جواب‌ها طوری داده می‌شود که برانگیزاننده‌ی سؤالات بیشتری باشد. در کل سؤالات اساسی در زمینه تعلیم و تربیت طرح می‌شوند که همین نکته می‌تواند در تدریس معلمان الهام‌بخش باشد؛ زیرا در روند فعلی آموزشی کشور ما، معلمان کمتر اجازه می‌دهند که دانش‌آموزان، آنان را مورد سوال قرار دهند. درواقع یک رابطه‌ی یک طرفه برقرار است و سؤالات دانش‌آموز نادیده گرفته می‌شود.

چکیده‌ای از گفت و گوها:

گفت‌وگوی اول: ضرورت توجه معلم به فلسفه (چرا فلسفه؟)

گفت‌وگوی دوم: فلسفه و فیلسوفان (چیستی فلسفه؟)

گفت‌وگوی سوم: رابطه نظر و عمل (فیلسوف در جایگاه نظر و معلم در جایگاه عمل ایستاده است.)

گفت‌وگوی چهارم: مناسبات میان فلسفه و تعلیم و تربیت (چیستی تعلیم و تربیت)

گفت‌وگوی پنجم: نگاه تحلیلی معلم با فیلسوفان به تعلیم و تربیت (چرا و چگونه تحلیل کنیم؟)

گفت‌وگوی ششم: بومی یا جهانی بودن تعلیم و تربیت (تعلیم و تربیت بومی یا جهانی؟)

نکته جالب در پایان گفت‌وگو، تغییر نظر معلم و فیلسوف است که در گفت‌وگوی اول از هم فاصله داشتند اما در پایان دیدگاه‌هایشان به سمت توافق ضمنی و گاهی توافق کامل سوق می‌یابد. این کار جز از طریق گفت‌وگو ممکن نبود. امید است که این کتاب آغازی باشد برای گفت‌وگوهای دیگر در این عرصه و روزی شاهد آن باشیم که والدین، دانش‌آموزان، اندیشمندان، روشنفکران، سیاست‌گذاران و به طور خلاصه تمام ذی‌نفعان حوزه‌ی تربیت، پایشان به این گفت‌وگوها باز شود تا مسیر پریپیچ و خم تربیت هموارتر گردد.

Ning 卐

RELIANCE ENTERTAINMENT IN ASSOCIATION WITH HRX FILMS PRESENTS
A SAJID NADIADWALA FILM A PHANTOM PRODUCTION

HRX

RELIANCE

Entertainment

$$\hat{ACB} = \frac{2}{5} \hat{ABD}$$



$$\left(\frac{4+4}{43}\right) \left(\frac{4(4+4+4+4+4)}{4-3}\right)$$



$$x^2 + 2xy + y^2 - x^2 + 1$$

معرفی فیلم

سوپر ۳۰

فاطمه مهدی آرانی

INSPIRED BY THE LIFE OF
ANAND KUMAR & HIS STUDENTS

SUPER 30

VOSTF

DIRECTED BY VIKAS BAHL

PRODUCED BY NADIADWALA GRANDSON ENTERTAINMENT, PHANTOM FILMS & RELIANCE ENTERTAINMENT

آنان یادآور می‌شود که زندگی در لابه‌لای فقر و تنگدستی، نمی‌تواند خودباوری آنان را برآید

فیلم سوپر ۳۰ دارای بسیاری از نکات تربیتی مثبت است که می‌تواند برای بینندگان الهام‌بخش و آموزنده باشد

برخی از این نکات عبارتند از:

۱. تلاش و پشتکار: یکی از اصلی‌ترین پیام‌های فیلم سوپر ۳۰ است. این فیلم نشان می‌دهد که با تلاش هیچ مانعی

نمی‌تواند جلوی دستیابی به هدف را بگیرد
۲. عدالت اجتماعی: این فیلم بر عدالت اجتماعی تاکید دارد و نشان می‌دهد که هرکسی باید فرصت برابری برای دسترسی به آموزش داشته باشد
۳. اعتماد به خود: این فیلم نشان می‌دهد اعتقاد به خود و توانایی‌های خود مهم‌ترین عامل موفقیت است

۴. تغییر و تحول: فیلم سوپر ۳۰ نشان می‌دهد که هرکس قادر است تغییر و تحول در زندگی خود ایجاد کند و با تلاش و پشتکار موفق شود

۵. اهمیت آموزش: این فیلم بر اهمیت آموزش و نقش آن در تغییر و تحول زندگی افراد تاکید دارد و نشان می‌دهد که آموزش می‌تواند زندگی افراد را بهبود بخشد

آناند به معلم‌ها می‌آموزد تا مسائل را ابتدا در درون خود پرورش دهند و به ذهن آورند و برای آن جواب بیابند و سپس به دیگران انتقال دهند. در این صورت کودکان نیز جهان را به مثابه سوال می‌بینند و این چرخه در آن‌ها نیز شکل می‌گیرد

معلم در این مسیر نه به پشت سر نگاه و نه خود

را با بقیه مقایسه می‌کند بلکه خود را با ایده‌آل خود می‌سنجد و تنها در این صورت است که کودکان را به سمت روشنائی سوق می‌دهد



این فیلم داستان واقعی یک ریاضیدان هندی به نام آناند کومار در شهر پتنه را روایت می‌کند. آناند کومار پسری جوان در یک خانواده فقیر زندگی می‌کند، او نابغه ریاضی است. آناند از طرف دانشگاه کمبریج دعوت‌نامه دریافت می‌کند، اما او برای رفتن هیچ پولی ندارد. تا اینکه رئیس یک آموزشگاه گران‌قیمت او را دعوت به کار می‌کند. او به عنوان معلم و مشاور در آموزشگاه مشغول به

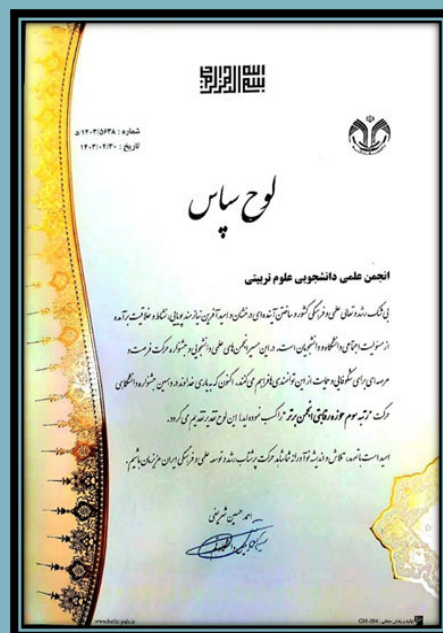
کار می‌شود تا پول سفر خود را به دست بیاورد. آناند در این آموزشگاه به دانش‌آموزان پول‌دار خود آموزش می‌دهد تا در آزمون استخدامی و ورودی یک شرکت رایانه‌ای قبول شوند. او پس از مدتی متوجه می‌شود رئیس آموزشگاه از نام او برای جذب بیشتر دانش‌آموزان مرفه استفاده می‌کند. آناند تصمیم می‌گیرد کارش را در این آموزشگاه رها کند و به بچه‌های مستعد، اما فقیر درس بدهد. او با پخش اعلامیه و به‌صورت رایگان آموزش سی دختر و پسر فقیر را در یک کلاس درس مخروبه شروع می‌کند. اما مسئول آموزشگاه و یکی از مسئولین شهر که با رفتن او، بسیار متضرر شده‌اند، تلاش می‌کنند کلاس او را منحل کنند.

این فیلم، مافیای آموزشی و بحث جداسازی مدارس خاص از مدارس عادی و اینکه یک معلم چطور می‌تواند در برابر این مافیا ایستادگی کند را نشان می‌دهد.

فیلم انگیزشی سوپر ۳۰ در ژانر درام، داستان واقعی زندگی آناند کومار، معلم نخبه هندی را به تصویر می‌کشد که در مسیر تحقق اهدافش، فراز و نشیب‌های بسیاری را از سر می‌گذراند. فقر، نابرابری، فاصله طبقاتی و عدم حمایت دولت مهم‌ترین مسائلی‌اند که آناند با آن‌ها

مواجه می‌شود که هرچند به صورت مقطعی او را از حرکت باز می‌دارد، اما ناامید نمی‌کند. سوپر ۳۰، نمایش تلاش فداکارانه‌ی معلمی است که امید را برای شاگردانش مجسم و محقق می‌کند و به





آنچه مسلم است، پیشرفت و اعتلای سرزمینمان همواره مرهون گام‌های استواری بوده که تدبیر را چراغ راه مساعی خویش ساخته و هرگز در طی طریق مسئولیت‌ها، لرزش به گام‌هایشان راه نیافته است

بر خود واجب می‌دانیم که درخشش دانشجویان رشته علوم تربیتی در جشنواره دانشگاهی حرکت که نشان از تلفیق علم و عمل آنان می‌باشد را تبریک گوئیم. بی‌شک کسب رتبه سوم حوزه رقابتی انجمن برتر و رتبه سوم حوزه رقابتی نشریه را مرهون رهنمودهای روشنگرانه استاد محترم مشاور انجمن سرکار خانم دکتر سوسن بهرامی و تلاش‌های بی‌دریغ اعضای انجمن علمی علوم تربیتی دانشگاه قم دانسته و بدینوسیله مراتب سپاس خود را از تمامی عزیزان بویژه استاد محترم تقدیم می‌داریم

هم‌چنین از مسئولین محترم کمیته نشریه، خانم‌ها نرگس جان‌نثاری و فاطمه محمدخانی و کمیته بروشور، خانم‌ها سمانه نریمان‌پور و مریم سلیمی و دوستان عزیزی که ما را در تدوین نشریه و بروشور یاری نمودند بویژه خانم‌ها الهام ابویی، فاطمه ترشیزی حصار، معصومه تیمار، یاسمن داوطلب، اکرم رضایی، زهره رضایی، فرحناز زنگنه، فاطمه صفاری‌نژاد، پروانه طاهری، سارا عسگری، هانیه علوی، ریحانه غفاری، زهرا فرهادی، فاطمه قره‌قانی، راضیه مروتی، فاطمه مهدی آرانی، محدثه نبی حسینی، سمانه نقدی و معصومه هاشمی صمیمانه قدردانی نموده و سلامتی و موفقیت‌شان را از درگاه خداوند متعال مسالت می‌نماییم

انجمن علمی علوم تربیتی دانشگاه قم



شناسه دبیر انجمن علمی علوم تربیتی خواهران:

@samaneh_narimanpour